

## خوانشی از اندیشه امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی پیرامون اسلام سیاسی

بهزاد قاسمی<sup>۱</sup>

مصطفی قاسمی<sup>۲</sup>

### چکیده:

مقاله حاضر تلاش می‌کند با بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی به مبانی اندیشه سیاسی، وجوه اشتراک و تمایز رهبری مذهبی در ایران و تونس بپردازد. با عنایت به این موضوع، فرایند اسلام سیاسی در ایران و تونس، از مباحث مهم و درخور توجه پژوهشگران و محققین این حوزه است. پژوهش ضمن بررسی گفتمان اسلام سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی، کوشش می‌کند با خوانشی از اندیشه دو رهبر سیاسی- معنوی، میزان موفقیت امام خمینی(ره) و موفقیت نسبی نهضت راشد الغنوشی در عملی کردن گفتمان اسلام سیاسی را نشان دهد. پژوهش در صدد پاسخ دهی به این سؤال اساسی است که، گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی چه بوده است، چرا نتایج یکی به هژمونیک شدن اسلام سیاسی انجامیده و دیگری این‌گونه نشده است؟ نگارندگان بر این باور هستند که، تفاوت در مبانی اندیشه سیاسی و کارکرد دال‌های گفتمانی شکل گرفته در اندیشه هر دو رهبر دینی و محدودیت‌های ناشی از ساختار جامعه سبب به ثمر نشستن گفتمان اصیل اسلام سیاسی امام(ره) و شکست نسبی گفتمان راشد الغنوشی شده است.

**کلید واژه‌ها:** امام خمینی، راشد الغنوشی، گفتمان اسلام سیاسی، رهبری، جنبش اسلامی، ساختار جامعه

**Email:** ghasemi.b1981@gmail.com

**Email:** m.ghasemi59@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع) (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

## مقدمه

اندیشه سیاسی در بهترین شرایط خود می‌تواند در حوزه سیاست عملی قابلیت ظهور یابد. در میان اندیشمندان دینی و متفکران جهان اسلام، نظریات سیاسی گوناگونی مطرح شده است که بسیاری از آنها فقط در حد اندیشه نظری باقی مانده‌اند و امکان ظهور و بروز در جامعه سیاسی نیافته‌اند. در یک بررسی کلی اندیشه‌های سیاسی در جهان اسلام را می‌توان در دو حوزه جهان تشیع و جهان اهل سنت دسته بندی کرد. در میان طیف زیادی از اندیشه‌های سیاسی در جهان اسلام، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) از معدود مواردی است که در حوزه سیاست عملی نیز توان ظهور یافت و در قالب نظام ولایت فقیه به تنظیم امورات جامعه پرداخته است. در جهان اهل سنت نیز نظریات مختلفی در حوزه نظام سیاسی مطرح شده اما بسیاری از این نظریات بنا به دلایلی، موفق به نظام سازی در جامعه خود نشده‌اند.

یکی از اندیشمندان و متفکران سیاسی جهان اهل سنت راشد الغنوشی است که دارای نظریات سیاسی در حوزه سیاست عملی و نظام سیاسی است. تحولات شمال آفریقا طی سال‌های اخیر که از تونس آغاز شد، این فرصت را برای راشد الغنوشی و حرکت النهضه فراهم نمود تا با حضور در عرصه قدرت، به نظم سازی مبتنی بر اندیشه‌های قبلی بپردازند. اما راشد الغنوشی و حرکت النهضه نه تنها نتوانستند در تونس دولت دینی و نظام سیاسی ایجاد کنند، بلکه در کنگره دهم تصمیم بر جدایی دین از سیاست نیز گرفتند.

بنابراین سؤال اصلی که این مقاله در صدد پاسخگویی به آن است این است که چه تفاوت‌های گفتمانی و جامعه شناختی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی می‌باشد که نتایج یکی به تشکیل نظام سیاسی ختم شده و دیگری اینگونه نشده است؟ فرضیه این مقاله بر این اساس است که شرایط اجتماعی و سیاسی دو کشور ایران و تونس و تفاوت در مبانی عقیدتی مردم دو کشور باعث شد تا نظام سیاسی ولایت فقیه منبعث از اندیشه‌های امام در ایران شکل و قوام یابد اما نبود این بسترهای اجتماعی سیاسی و عقیدتی در جامعه تونس باعث شد تا اندیشه‌ها و نظریات راشد الغنوشی در هیئت نظام سیاسی متبلور نشود.

روش این پژوهش براساس تحلیل گفتمان و به صورت بررسی تطبیقی دال‌های گفتمانی دو رهبر مذکور و بررسی شرایط جامعه شناختی ایران و تونس خواهد بود.

هدف از این نوشتار بررسی تفاوت‌های گفتمانی موجود در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی و چگونگی شرایط جامعه شناختی دو کشور ایران و تونس می‌باشد که در یکی منجر به ظهور نظام سیاسی می‌شود و دیگری موفقیتی در این عرصه به دست نمی‌آورد.

در ارتباط با اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است. از مهمترین کتاب‌ها در این حوزه کتاب ولایت فقیه حضرت امام می‌باشد. حقوق شهروندی در حکومت اسلامی (حقوق المواطنة فی الدولة الإسلامية)، رویکرد سکولاریسم و جامعه مدنی (مقاربات فی العلمانیة و المجتمع المدنی)، آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی (الحریات العامة فی الدولة الإسلامية) و حرکت اسلامی و مسئله تغییر (الحركة الإسلامية و

مسأله التخییر) از مهمترین کتاب‌های راشد الغنوشی در حوزه اندیشه سیاسی و حکومت اسلامی می‌باشند. علاوه بر این اندیشه سیاسی راشد الغنوشی را می‌توان در مصاحبه‌ها و گفتگوهایی که از ایشان وجود دارد، نیز بررسی نمود. اما آنچه که این مقاله در صدد بررسی آن است مقایسه بین اندیشه سیاسی دو رهبر و متفکر جهان اسلام و بررسی دلایل توانمندی یکی در نظام سازی و عدم موفقیت دیگری در این عرصه می‌باشد.

### چارچوب نظری: نظریه گفتمان

نویسندگان در بررسی خود پیرامون پاسخ این سؤال از روش تحلیل گفتمانی به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق در علوم سیاسی بهره برده‌اند. تحلیل گفتمان<sup>۱</sup> که در زبان فارسی «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» ترجمه شده است. مفهوم «گفتمان» تئوری توسعه یافته است که توسط ارنستو لاکلاو و نیز شنتال موفه طراحی شد. زمان استفاده مباحث گفتمانی در پژوهش‌های علوم انسانی را می‌توان در گسترش و بسط مطالعات زبان شناختی در آغاز قرن بیستم و تأسیس دانش نشانه‌شناسی، به ویژه آموزه‌های فردیناند دوسوسور دانست. سوسور زبان شناس سوئیسی با طرح کردن ساختارهای زبانی و نقد روابط دال و مدلول، تحول بزرگی در زبان شناسی پدید آورد و از این حیث بنیانگذار نشانه شناسی نام گرفت ( laclau and mouffe, 1987:176).

برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲ میلادی، «زلیک هریس»، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، واژه گفتمان را به‌عنوان یک اصطلاح در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان» در نشریه زبان به کار برد (Harris, 1952: 1-30). گفتمان متشکل از دال مرکزی و عناصری است که تحت عنوان دال شناور شناخته می‌شوند. دال مرکزی در منظومه گفتمانی، نشانه‌ای است که نیروی جاذبه آن، دیگر نشانه‌های داخل گفتمان را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد. به‌عنوان مثال در گفتمان لیبرال، آزادی دال مرکزی است. دیگر نشانه‌ها و مفاهیم چون دولت، فرد، برابری و... با توجه به دال مرکزی معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. عناصر دال‌های سرگردان و شناوری هستند که در حوزه گفتمانی به سر می‌برند و هنوز معنا و هویت گفتمانی نیافته‌اند. از این رو گفتمان‌های رقیب تلاش می‌کنند که بر آنها تسلط یابند و هویت دلخواه خود را به آنها بدهند. نظریه گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سرو کار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه‌ای می‌پردازد که طی آن سیستم‌های معانی یا گفتمان‌ها، فهم مردم از نقش خود در جامعه را شکل می‌دهند (دین پرست، ۱۳۸۹: ۳۲). نخستین گام‌ها در ایجاد نظریه گفتمان را «مونژن فردینان دو سوسور» (۱۸۵۷-۱۹۱۳) برداشت. وی با ساختن اصطلاح «نشانه‌شناسی<sup>۲</sup>» که از نظر او، علم پژوهش نظام‌های دلالت معنایی است؛ رابطه دال و مدلول اختیاری و

1. discourse analysis  
2. semiology

اتفاقی است. سوسور زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به دست می‌آورد (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶).

این نظریه روشی را که نظام‌های معنایی (گفتمان‌ها) طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان در جامعه را شکل می‌دهند بررسی می‌کند و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد. گفتمان‌ها را نباید ایدئولوژی، به مفهوم سنتی و محدود آن (یعنی مجموعه عقایدی که به وسیله آن عاملان اجتماعی، اعمال اجتماعی سازمان یافته‌شان را توجیه و تشریح می‌کنند) پنداشت. مفهوم گفتمان در برگیرنده همه انواع اعمال سیاسی و اجتماعی است؛ از جمله نهادها و سازمان‌ها.

در این روش شناسی، محقق علوم اجتماعی سعی می‌کند تا خود را به جای عاملی که در جامعه عمل می‌کند تصور کرده، بدین طریق اعمال اجتماعی را درک نماید. تفاوت در این است که تجزیه و تحلیل کننده گفتمان راه‌هایی را می‌آزماید که به واسطه آنها ساخت‌های معنایی شکل‌های خاص عمل را ممکن می‌کنند. برای انجام چنین کاری او سعی می‌کند بفهمد که چگونه گفتمان‌هایی که به فعالیت‌های عاملان اجتماعی شکل می‌دهند تولید می‌شوند، کار می‌کنند و تغییر پیدا می‌کنند. در تلاش برای فهم این موارد تحقیق، تحلیل کننده گفتمان اولویت را به مفاهیم سیاسی‌ای همچون غیریت سازی<sup>۱</sup>، عاملیت<sup>۲</sup>، قدرت و سلطه<sup>۳</sup> می‌دهد (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۷). در واقع در تحلیل گفتمان «مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمان مشترکی باشد گفتمان می‌نامند» (Foucault, 1962: 117).

بر اساس نظریه گفتمان، اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند.

در پژوهش سعی می‌شود با تحلیل گفتمانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و راشد الغنوشی و مقایسه آن دو، گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) و راشد الغنوشی مورد بررسی قرار گیرد و تفاوت‌های معنایی موجود در اندیشه سیاسی که در یکی منجر به شکل‌گیری نظام سیاسی و در دیگری عدم موفقیت در این عرصه را بدنبال داشته است، بررسی شود.

### گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره)

گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) برگرفته از آموزه‌های اسلام شیعی است. تحول ایدئولوژیک (اندیشه سیاسی تشیع) روحانیت شیعه به رهبری امام از مهم‌ترین اندیشه‌های انقلابی - اسلامی است که در دوره

---

1. Antagonism  
2. Agency  
3. Hegemony

معاصر، ارائه و عملی شد. اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی دچار تحولی تدریجی شد. این همان نقطه قوت اندیشه سیاسی امام(ره) است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی اجتهاد شکل گرفته است. در واقع، فقه شیعه همواره خود را با واقعیت‌های اجتماعی زمان خود تطبیق می‌داده است. بر این اساس، امام در چهار مرحله به نظریه ولایت فقیه پرداختند، در مرحله نگارش کتاب «کشف الاسرار» بحث ولایت فقیه را در سال ۱۳۳۳ مطرح کردند. بعدها در سال ۱۳۳۱ در کتاب «رسائل» دوباره این بحث را پیش کشیدند. در ۱۳۴۳ در «تحریر الوسيله» و در سال ۱۳۴۸ «کتاب البیع» نظریه ولایت فقیه را مجدداً مطرح کردند. از این زمان رویکرد سیاسی نهضت روحانیت به صورت جدی دنبال شده و نظریه تأسیس نظام جمهوری اسلامی مطرح شد.

در واقع، نظریه و دکترین ولایت فقیه از جمله نظریات بدیعی است که توسط امام طرح و تبیین گردید و با پیروزی انقلاب اسلامی مبنای نظام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. امام خمینی(ره) اولین حکومت مستقل ولایت فقیه را عملاً اجرا نموده و کاملترین نظریات در مورد ولایت فقیه را ارائه نموده‌اند، ضرورت تشکیل حکومت را که از دلایل عقلی ولایت فقیه است چنین بیان می‌کنند: «احکام الهی اعم از احکام مالی، سیاسی و حقوقی همچنان باقی است و نسخ نشده است و نفس وجود احکام، ضرورت حکومت و ولایت را اقتضاء دارد و حفظ قوانین الهی جز از طریق تشکیل حکومت ممکن نیست؛ زیرا مستلزم هرج و مرج خواهد بود» (خمینی، ۱۳۸۵: ۶۱۹). ایشان معتقدند همان‌طور که پیامبر(ص) برای اجرای احکام دین حکومت تشکیل دادند، پس از ایشان نیز از آنجایی که احکام و حدود و قوانین جزایی اسلام و جهاد و... باید اجرا شوند و تعطیل بردار نیست، تشکیل حکومت ضرورت دارد. چنانکه بعد از رحلت پیامبر(ص) کسی درباره لزوم حکومت شکی نداشت و همه مسلمین در اینکه باید حکومت باشد اتفاق داشتند و فقط در شخص مورد نظر اختلاف بود (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۸).

### دال مرکزی در گفتمان امام(ره)

به‌طور کلی، دال مرکزی در گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) اسلام است البته با صبغه شیعی و در مفصل‌بندی گفتمان امام، دیگر عناصر را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد. اما ویژگی‌های اسلام به‌عنوان دال مرکزی عبارت است از:

سیاسی بودن (اسلام سیاسی): یکی از مشخصه‌های اصلی قرائت امام خمینی(ره) از اسلام، سیاسی بودن آن است. در کلام امام «اسلام تمامش سیاست است و سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۶۵). امام خمینی(ره)، تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که در آن اسلام «برخلاف مکاتب غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۶۵). در نتیجه، جدایی دین از سیاست موضوعیت ندارد؛ زیرا جدایی دین از سیاست نوعی بدعت است و برآمده از آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر و ائمه نیست (فوزی، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۰۶).

جامعیت: اسلام در قرائت امام(ره)، جامعیت آن است. چنانچه ایشان در این ارتباط بیان می‌دارند «اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است، هر دو را دارد (صحیفه نور، ج ۲: ۲۲۵). یعنی دین اسلام در سعادت بشری و قرب الهی به مادیات و معنویات توجه کرده و مسائل مادی وسیله رسیدن به مرحله معنوی و مکمل است.

جهانشمولی: در نگاه امام(ره) اسلام دین جهانشمولی است که هیچ یک از تقلیل‌های قومی، زبانی و نژادی در آن راه ندارد «اسلام برای طایفه خاصی نیست، اسلام برای بشر آمده است نه برای مسلمانان و نه برای ایران. انبیاء مبعوث بر انسان‌ها هستند و پیامبر اکرم(ص) مبعوث بر انسان‌ها بود. خطاب به ناس می‌باشد؛ یا «ایهاالناس» و ما نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵).

مشروعیت و قدرت: امام در سیره نظری و عملی خود نظریه مشروعیت الهی - مردمی را پذیرفته‌اند؛ به طوری که همواره در کنار مشروعیت الهی از اعتماد اکثریت مردم یا آرای اکثریت قاطع ملت نام برده‌اند. مشروعیت مردمی حکومت در کنار مشروعیت الهی تفسیری است که امام خود درباره حکومت ایران ابراز کرده‌اند. ایشان در پاسخ خبرنگار فرانسوی چنین اظهار می‌کنند: «اما جمهوری به همان معنایی که همه جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام می‌باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود، اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که در همه جا هست» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

جمهوری اسلامی: جمهوریت گفتمانی است که در نهایت معطوف به نفی سلطه است؛ به همین دلیل تأکید بر آزادی مدنی، هم نافی آزادی لیبرالی و هم ضد جباریت فردی و ساختار توتالیتر است. در گفتمان جمهوریت، حاکمیت سیاسی از یک سو با قید زدن به قدرت نقش ساماندهی سیاسی پیدا می‌کند و از سوی دیگر به تحقق اداره اخلاقی - انسانی شهروند می‌انجامد (منوچهری، ۱۳۷۷: ۳۱). جمهوری بهترین صورت حکومت دموکراسی و بیان‌کننده صورت و قالب حکومت است؛ در حالی که اسلام بیان‌کننده محتوای آن است.

اسلامی بودن این جمهوری به هیچ وجه با حاکمیت ملی یا به طور کلی دموکراسی منافات ندارد و هیچ‌گاه اصول دموکراسی ایجاد نمی‌کند که بر یک جامعه ایدئولوژی و مکتبی حاکم نباشد (مطهری، ۱۳۶۷: ۸۴). جنبه مردمی در اندیشه و نهضت امام، از جهت اول، حکومت به‌عنوان ودیعه‌ای الهی تلقی می‌شود و حکام و زمامداران در شکل نمایندگان خدا باید عمل کنند. مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش بر پایه «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» ضروری است. در این نوع حکومت الهی که آن را حکومت عدل اسلامی می‌نامیم، تأکید روی اصل برادری، اخوت، آزادی و عدالت از هر مکتب دیگری بیشتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۰).

در گفتمان امام خمینی(ره) اسلام شیعی، با چنین مشخصه‌هایی به‌عنوان دال برتر و واژه نهایی معرفی می‌گردد، دال برتری که مسلمانان در تبیین و تفسیر تمامی رفتارها، ایده‌ها و آرمان‌های خود از آن استفاده

می‌کنند. اسلام شیعی در مرکز عمل قرار می‌گیرد و از آن به‌عنوان واژه نهایی استفاده کرده و برای خود از آن استمداد می‌جویند. در گفتمان امام(ره) اسلام هسته مرکزی گفتمان امام(ره) را تشکیل می‌دهد و جاذبه‌های همین هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند.

نفی سلطه: «ما منطقمان، منطق اسلام است، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما می‌خواهیم نرویم زیر سلطه» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۳۹). امام با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن در دو جمله «نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید» خلاصه می‌شود (آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صحیفه نور، ج ۱۴: ۶۸).

### دال‌های شناور گفتمان امام خمینی(ره)

استقلال: استقلال در تمام زمینه‌ها، عدم وابستگی، نفی دخالت اجانب، قطع نفوذ بیگانگان، تحت نظر دیگران نبودن و اداره مستقل مملکت تعاریف است که امام از استقلال ارائه می‌دهند.

حمایت از مظلومین و محرومین: «هان ای مظلومان، از هر قشر و از هر کشوری که هستید به خود آید و از هیاهو و عربده آمریکا و سایر زورمندان تهی نهراسید و جهان را برای آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید» (اسلام ناب محمدی در کلام و پیام امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

وحدت امت اسلامی: امام(ره) می‌خواست با وحدت و انسجام ملی و اسلامی و ایجاد همبستگی اسلامی بین مسلمانان، همه ملل اسلامی به استقلال و آزادی دست یابند، زیرا مسلمین باید برای به‌دست آوردن استقلال و آزادی این کلید پیروزی را به‌دست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند (صحیفه نور، ج ۶: ۱۲۳-۱۲۲). در واقع بر اساس غنای مفهومی این دال است که امام خمینی(ره) «با توجه به مشترکات بسیار میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروع کلیدی و مهم دین و اختلافات در برخی از فروع دینی، جهان اسلام را به مثابه یک نظام واحد، یکپارچه و منسجم تلقی می‌کند که دارای خدای مشترک و واحد، پیامبری مشترک، اعتقاد به معاد و روز جزا، قبله واحد و... می‌باشند. برخی از اختلافات فکری و اعتقادی نمی‌تواند آنان را از رسیدن به وحدت استراتژیک سیاسی منع نماید (فولادی، ۱۳۸۷: ۸۲).

عدالت: ائمه و فقهای عادل موظف‌اند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۶).

مستفاد می‌شود که، دال‌های شناور همچون ولایت فقیه، استقلال، نفی نظام سلطه محور بر مبنای دال مرکزی که همان اسلام شیعی است تکوین یافته است. اسلام شیعی که ماهیتی سیاسی یافته است. در واقع نظام سیاسی و حکومتی اسلام از موضوعات بسیار محوری و بنیادین گفتمان حضرت امام خمینی(ره) محسوب می‌شود.

گفتمان امام خمینی(ره) منطقی پایدار بر پایه‌های فقهی است که تحلیل و ترسیم همه اجزا و مؤلفه‌های آن مبتنی بر علم اصول فقه است. در چنین نگاهی منطقی فقهی مبتنی بر وحی (کتاب و سنت) به‌عنوان منطق حاکم به چشم می‌خورد که در انتساب هر اندیشه‌ای به دین و شریعت الهی ناگزیر از اعمال این منطق می‌باشیم. ارائه اندیشه سیاسی ولایت فقیه و تبیین جدید و قرائت نو از آن از ابتدای طرح مسأله

توسط امام در حقیقت پاسخی است به نیاز زمان در چارچوب مسائل سیاسی روز و تبیین مفاهیم زیر بنایی انقلاب اسلامی. در واقع یکی از مهم‌ترین نقاط قوت آن به روز بودن نظرات سیاسی امام خمینی(ره) است. همین مسئله سبب شده که حضرت امام در هر زمان، رفتار سیاسی خویش را به درستی هدایت نماید. اندیشه سیاسی امام در کشف اسرار و حدود یک دهه بعد از آن، اصلاحی است، اما تحلیل اندیشه و عمل سیاسی امام از دهه چهل به بعد در ذیل اندیشه‌های سیاسی انقلابی، قابل تفسیر است.

نوآوری اساسی امام خمینی(ره) را ضمن احیای نظریه ولایت فقیه در برابر سیطره تفکر مدرنیسم غربی، باید در طرح و ترکیب برخی از عناصر فکری جدید همانند جمهوریت خواهی و تأکید بر نقش مردم و قانون اساسی و انتخابات در نظریه ولایت فقیه بدانیم. طرح بحث جمهوریت را باید در کنار بحث مشروعیت که منبعی الهی دارد، در مقبولیت که ناشی از اقبال مردمی می‌باشد تا حکومت اسلامی شکل گیرد. دید. تأکید امام خمینی(ره) در آستانه انقلاب اسلامی در ایران بر جمهوری اسلامی، «نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر»، کانون نظریه سیاسی امام خمینی(ره) را شکل می‌دهد. از این جهت دال برتر و مرکزی مفصل‌بندی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) را می‌توان همان «اسلام سیاسی» بدانیم که اسلامیت محتوای آن و سیاسی بودن شکل آن است که در نهایت منجر به «جمهوری اسلامی» شد.

### جنبش النهضه و اصول آن

جنبش النهضه در آوریل ۱۹۷۲ تأسیس شد؛ ولی عملاً در سال ۱۹۷۸م به صحنه سیاسی وارد شد و اعلام موجودیت کرد. جنبش النهضه در ابتدا با عنوان جمعیت محافظت از قرآن، جماعت اسلامی (حرکت اسلامی)، سپس جنبش رویکرد اسلامی و جبهه نجات اسلامی و پس از آن با عنوان فعلی جنبش النهضه فعالیت‌های خود را آغاز و تاکنون ادامه داده است.

شیخ راشد الغنوشی، شیخ عبدالفتاح مورو، صالح کرکر، حبیب المکنی، مهندس علی العریض، دکتر صادق شورو، حاج محمد العکروت، مهندس حمادی الجبالی، حمیده النیفر، صلاح‌الدین الجورشی، الصبحی عتیق، عجمی الوریمی و... از مؤسسين النهضه بوده‌اند. جنبش اسلامی تونس ریشه در برخورد ایدئولوژی مدرن بورقویی و سنت‌گرایی دینی نهاد «زیتونیه» در اواخر دهه ۵۰ میلادی دارد.

جنبش «الاتجاه الاسلامی» در ۶ ژوئن ۱۹۸۱ طی کنفرانس مطبوعاتی مهمترین مبانی خود را تشریح کرد که برجسته‌ترین آنها عبارت‌اند از: رد اصول سکولاریسم؛ ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان؛ به رسمیت نشناختن قومیت عربی؛ نگرش به مسأله فلسطین به عنوان «ثمره انحراف تمدنی و فرهنگی»؛ آزادی فلسطین تنها از طریق آزادی اعراب از بند استعمار و استثمار و ایجاد سازمان‌هایی خواهد بود که بیانگر منافع توده مردم باشند.

پس از این کنفرانس مطبوعاتی که دو تن از رهبران جنبش اتجاه الاسلامی تشکیل دادند این جنبش حرکت خود را برای دریافت مجوز فعالیت از دولت تونس آغاز کرد (ابراهیم، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۱).



اساسنامه جنبش اتحاه الاسلامی بر مبنای ایدئولوژیک و سیاسی زیر تأکید داشت: اول، علل عقب‌ماندگی وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تونس رهایی کشور از این وضعیت بود. دوم، وارد کردن مسائل دینی به دنیای سیاست و مدخلی برای انحصار ویژگی «اسلامی بودن» به جنبش اتحاه الاسلامی و در نتیجه، نفی آن از دیگران است. در واقع نشان‌دهنده علل جدید شکست‌های تاریخی امت اسلامی است.

سوم، این زمینه ایدئولوژیک موجب ریشه گرفتن دیدگاه‌های فکری و روش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مختلفی خواهد شد که تعیین‌کننده‌ی هویت این جنبش خواهد بود و جهت‌گیری‌های استراتژیک و مواضع آن را در شرایط مختلف مشخص خواهد کرد (تاریخچه و اندیشه‌های حرکت «النهضة»، ۱۳۸۹). چهارم، به دلیل اهمیت این وضعیت اسلام‌گرایان باید وارد نوع جدیدی از فعالیت و سازمان‌دهی شوند تا امکان یکی کردن و فراهم آوردن نیروهای موجود و آگاهی دادن به آنها در مسائل مردمی میسر شود. این فعالیت‌ها باید از طریق جنبشی با اهداف عالی، ابزارهای مشخص و معین، ساختاری روشن و رهبری ایده‌آل صورت گیرد. به این ترتیب، جنبش اتحاه الاسلامی بر مبنای مقدمات مذکور، وظایف خویش را این‌گونه تشریح کرده است:

احیای هویت اسلامی تونس و تبدیل مجدد آن به پایگاهی بزرگ برای تمدن اسلامی در آفریقا.

احیای اندیشه اسلامی در پرتو اصول ثابت اسلامی

بازستاندن حقوق مشروع مردم در تعیین سرنوشت بدون هیچ‌گونه تأثیرپذیری از شرایط و فضای داخل یا نفوذ بیگانه.

بازسازی حیات اقتصادی تونس براساس مبنای انسان‌دوستانه و توزیع عادلانه ثروت در پرتو اصل اسلامی «انسان و مصیبت» یا «انسان و نیاز».

مشارکت در احیای موجودیت‌های سیاسی و تمدنی اسلام در سطح داخلی، جهان عرب و تمام دنیا.

برای تحقق این وظایف جنبش اتحاه الاسلامی به ابزارهای زیر متکی خواهد بود:

- احیای مساجد و بازگرداندن رونق به آنها به‌عنوان مرکز جهانی انتشار فرهنگ و تمدن؛  
- فعال کردن جنبش فکری و فرهنگی از طریق برپایی نشست‌ها، تشویق فعالیت‌های صنعت چاپ و نشر، تقویت مفاهیم و ارزش‌های اسلامی در زمینه‌های ادبی، فرهنگ عمومی و استقبال از فعالیت‌های علمی؛

- حمایت از زبان عربی برای رسمیت بخشیدن به آن و برقراری تعامل میان زبان عربی و زبان‌های خارجی؛

- رد خشونت به‌عنوان ابزاری برای تغییر و تمرکز درگیری‌ها و مبارزات بر مبنای شورایی و استفاده از این روش در زمینه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی؛

- رد حکومت فردی و استبدادی به دلیل پیامدهای آن در نابودی اراده‌ی انسان و از بین بردن توانایی‌های ملت و سوق دادن کشور به سمت خشونت،

- تبلور مفاهیم اجتماعی اسلام در اشکال معاصر و تحلیل واقعیات اقتصادی تونس؛
- جانب‌داری از مستضعفان، کارگران، کشاورزان و سایر محرومان در درگیری با مستکبران و رفاه‌زدگان؛
- حمایت از فعالیت‌های صنفی به علت آثار و نتایج آن برای تضمین استقلال و قدرت آن در تحقق آزادی ملی در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن؛
- اتکا به نگرش فراگیر و همه‌جانبه اسلام و التزام به فعالیت سیاسی غیرسکولار و به دور از فرصت‌طلبی؛
- رهاسازی وجدان فرد مسلمان از احساس شکست در برابر تمدن غرب؛
- تبلور و تجسم چهره نوین نظام و حکومت اسلامی به دلیل دربرداشتن اموری همچون طرح مسائل ملی در چارچوب تاریخی، عقیدتی و واقعی آن و توجه به مسائل و معضلات غرب عربی، جهان اسلام و تمام مستضعفان جهان؛
- تحکیم روابط برادرانه و صمیمانه با تمام مسلمانان جهان؛
- حمایت و مساعدت جنبش‌های آزادی‌خواه جهان (راشد الغنوشی، ۱۹۹۳: ۳۳۸-۳۳۵).

### گفتمان اندیشه سیاسی راشد الغنوشی

الغنوشی نمایانگر یک خط فکری متمایز در صحنه‌ی حرکت اسلامی معاصر است. این خط، در بسیاری از مقالات وی مندرج در مجله‌ی تونس‌ی «المعرفه» و تعدادی از مجلات دیگر عربی و در سخنان وی در سمینارها و کنفرانس‌های متعدد تجلی می‌یابد. مقالات ایشان در کتابی به نام «مقالات» جمع‌آوری و در ۱۹۸۲ در پاریس توسط مؤسسه‌ی انتشاراتی «دارالکروان» به چاپ رسیده است. محوریت جنبش النهضة تونس پیرامون شخصیت راشد الغنوشی و نقطه نظرات وی می‌چرخد.

حکومت و نظام سیاسی: یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تفکری غنوشی اعتقاد وی به جامعیت شریعت اسلامی برای اداره زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه بود، تلاش غنوشی در چارچوب هدفمند و دغدغه‌مند برای تدوین چنین نظامی است.

از میان تألیفات بسیار غنوشی کتاب «الحریات العامه فی الحکومة الاسلامیه»- آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی- از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. وی در این اثر از سویی دموکراسی غربی را نقد می‌کند و از سوی دیگر به جنبه‌های مختلف این حقیقت می‌پردازد که حکومت اسلامی، حکومتی است که «از همه نظر مدنی» باشد و در متون دینی نیز چیزی وجود ندارد که مانع بهره جستن از سازوکارهای دموکراتیک شده و مدنی بودن جامعه و حکومت را نفی کند یا تئوکراسی را بستاند. وی در تبیین بحث آزادی‌های عمومی با اشاره به پیوند جدائی‌ناپذیر آن از بحث نظام سیاسی اسلام، پذیرش این پیش فرض را مبتنی بر این می‌داند که اسلام، نظامی فراگیر دارد که میان اجزا و عناصر مختلف آن اعم از فقه، عقاید، اخلاقیات و اهداف و مقاصد پیوندی گسست‌ناپذیر وجود دارد. بر این اساس، اگر بپذیریم که اسلام در مسئله سازماندهی حکومت به پایه‌گذاری شماری از اصول و قواعد کلی بسنده کرده و عرصه گسترده‌ای را

به خرد مسلمانان واگذاشته است، این امر خود به خود به تنوع و گوناگونی در طرح‌های حکومت اسلامی خواهد انجامید (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

غنوشی در فراهم نمودن چارچوب قانونی آزادی‌های انسان و یا تکالیف وی با تمرکز بر مفاهیم فقهی، تحت تأثیر افکار علامه شاطبی از فقهای اهل سنت به‌ویژه کتاب الموافقات وی بوده است و در موارد بسیاری نیز بر این نکته تأکید دارد. وی در قسمتی از کتاب می‌نویسد: «اندیشمندان اسلامی معاصر تقریباً بر این نکته اجماع دارند که در این زمینه می‌بایست همان چارچوب اصولی علامه شاطبی در کتاب «الموافقات» را پذیرفت. چکیده نظر شاطبی بر این استوار است که هدف شریعت برآوردن منافع بزرگ بشر است. او این مصالح را به سه دسته ضرورت‌ها، نیازها و محسنات تقسیم می‌کند» (علیخانی، ۱۳۸۲: ۷۱).

غنوشی با انتقاد شدید از اندیشمندان سکولاری چون «علی عبدالرزاق» مصری به تبیین مهم‌ترین فاکتورهای پیوند میان اسلام و سیاست پرداخته و بر برخی مبانی دینی در این باره استناد می‌کند:  
- رویکرد تاریخی: وی معتقد است که هیچکس نمی‌تواند این حقیقت را انکار کند که پس از هجرت پیامبر به مدینه، جامعه سیاسی مستقلی با حوزه سرزمینی معین، نظام قانونی یکسان و رهبری معین شکل گرفته است.

- اجماع: در هیچ عصری هیچ کدام از علما و عقلا مسلمان، از آن روی که مقدمه واجب، واجب است در ضرورت نصب امام حکومت اسلامی با هدف اجرای شریعت تردیدی نداشته‌اند. با نگاهی به شریعت و توجه به اینکه مفاهیم موجود در آن همه جنبه‌های زندگی، روابط بین‌المللی و قوانین مدنی و کیفری را دربر می‌گیرد، این حقیقت روشن‌تر خواهد شد (عشوری، ۱۳۹۰).

- قدرت اجتماعی: غنوشی ضمن تأکید بر ضرورت قدرت در اسلام، این بحث را مطرح می‌کند که قدرت جزئی از اسلام نیست چرا که در اسلام دستور مستقیمی به ایجاد قدرت نیامده است. اما در عین حال نبود قدرت، مجموعه احکام و مقررات اسلام را تماماً یا تقریباً از میان می‌برد. قدرت به این مفهوم حتی اگر جزئی از اسلام نباشد حداقل وظیفه‌ای بنیادین برای برپایی اسلام خواهد بود و در این صورت نه در ضمن مقاصد شرع بلکه در ردیف ابزارهای شرع قرار خواهد گرفت. این نگرش به مقوله قدرت در اسلام و این دیدگاه که قدرت یک وظیفه اجتماعی است موضعی میانه را ترسیم می‌کند که در دو سوی آن یکی موضع لائیک است که اساساً چنین وظیفه‌ای را برای دین نفی می‌کند و فعالانه رویاروی همه سنت‌های دین و جامعه است و دیگر موضع طایفه‌ای از مسلمانان که قدرت را در اسلام وظیفه‌ای دینی همانند نماز و روزه دانسته‌اند که وحی بر آن تصریح دارد (الموقع الرسمي حركة النهضة، ۲۰۱۴).

وی در بحث مبانی حکومت اسلامی معتقد است که مفهوم حکومت در مبانی اسلام و اندیشه سیاسی آن مفهومی اصیل و ریشه‌دار است. بر این اساس، «متن دینی» به مثابه قانون و «شورا» به مثابه نظارت مردمی دو نهاد اصلی در تشکیل حکومت اسلامی به‌شمار می‌روند. غنوشی در تألیفات خود همواره سعی کرده است که اصالت مفاهیم سنتی اجماع، جماعت، بیعت، اولوالامر، اهل حل و عقد، امر به معروف و

نهی منکر را اثبات کند و از رابطه آنها با شورا و از راهکارهای اعمال آن در جامعه سخن به میان آورده است. در این میان نسبت به سازوکارهای قانونگذاری، هر شیوه ممکن پذیرفته است و اسلام از پذیرش شیوه‌های نوینی که بتواند اراده ملت را در چارچوب مشروعیت کلی و عام متون دینی تجلی بخشد و استبداد را دور کند ابایی ندارد. حکومت اسلامی هم یک ضرورت اجتماعی و هم یک حقیقت دینی است؛ وجود آن به ضرورت نصّ و چگونگی اداره آن به شورا است و از همین روی این حکومت نصّ و شورا است.

جامعیت: غنوشی نیز همانند امام خمینی(ره) اسلام را دارای جامعیت هم در حوزه معنوی و هم در حوزه مادی می‌داند. اما در عین حال باور به بهره‌گیری از ارزش‌های لیبرال دموکراسی‌های غربی نیز در حوزه مادی می‌باشد.

مشروعیت و قدرت: هرچند غنوشی در بنا و ضرورت حکومت در جامعه به سیره و سنت پیامبر استناد می‌کند اما در اندیشه غنوشی این مردم هستند که هم مشروعیت بخش به نظام سیاسی و حکومت هستند و هم در بعد مقبولیت مردم حرف اول و آخر را می‌زنند.

دموکراسی (جمهوری): غنوشی بر خلاف بسیاری از اندیشمندان مسلمان معاصر که رویکردی کاملاً متضاد با مدرنیته و دستاورهای غربی داشته‌اند، بر این باور است که اندیشه سیاسی غرب دستاوردهای بسیاری برای اندیشه سیاسی در جهان داشته است. نقطه خللی که در این میان وجود دارد در نظام دموکراسی نیست، بلکه این بخش نقطه قوت و برجستگی آن به‌شمار می‌رود و خلل مهم در این نظام تنها در درون‌مایه‌های فلسفی مادی و اندیشه لائیک است که خدا را از عرصه سازمان دادن جامعه به کنار می‌زند و انسان را به‌عنوان خدا معرفی می‌کند (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

راشد الغنوشی در کتاب آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی می‌گوید: حکومت یک وظیفه اجتماعی جهت حفظ دین و دنیا است و متولیان حکومت تنها کارگزار و خادم امت هستند. قدرت یک وجهه مدرنی دارد و عدالت اسلامی تفاوتی با دموکراسی معاصر ندارد و تنها تفاوت برتری و سیادت شریعت اسلامی و یا تشریح الهی است. سایر امور همان وسایلی است که جهت بهبود انجام این وظیفه به کار گرفته شده و هدف رفع ستم و برپایی عدالت به مقتضای شریعت الهی می‌باشد. اسلام می‌تواند به کمک اندیشه‌های سیاسی خود هم نظام دموکراسی غربی را در برگیرد و نقاط مثبت آن را برای بشر و مسلمانان حفظ کند و هم از رهگذر اصل اسلامی «شورا» یعنی مشارکت امت در حکومت و نظارت مردم بر حاکمان و به برکت تبدیل این اصل از مجموعه‌ای اندرز اخلاقی و مبانی عمومی به نظامی عملی برای حکومت، می‌تواند این تجربه بشری را پربارتر کند.

راشد الغنوشی در زمینه‌ی دموکراسی، از رفتارهای برخی اسلام‌گرایان انتقاد می‌کند: «به رغم آنکه اسلام‌گرایان از فقدان دموکراسی متضرر شده‌اند، بر سر راه دموکراسی مانع‌تراشی می‌کنند. بنابراین، باید با استبدادی جنگید که باعث شده است دشمنان اسلام به نحوی به این دین بنگرند که گویا قدرتی سلطه‌جوست و مردم را تحقیر می‌کند. چگونه این میراث استبدادی می‌تواند منبع و سرچشمه‌ی حق و

مشروعیت باشد؟ حاکمیت متعلق به مردم است و حاکمیت خداوند تنها از طریق مردم میسر است» (Hearst, 2016).

اجتهاد: الغنوشی می‌گوید: «ما معتقدیم درست است که اسلام اصول ثابتی دارد، اما مسائل حل‌نشده فراوانی نیز وجود دارد که باید از طریق اجتهاد حل شود و در نهایت، حقیقت اسلام، رنگ‌ها و جلوه‌های گوناگون، مکاتب فکری متعدد، احزاب سیاسی و شیوه‌های متعددی در جوامع دارد. لذا با توجه به آیه شریفه «لا اکراه فی الدین»، تلاش می‌کنیم گفتمان سیاسی را در وطن پاره پاره خود، از قید و بند احکام مطلق و افراطی همچون «هر که مثل ما نباشد، کافر یا مرتجع یا شرور یا غیر ذلک است»، برهانیم. ما هرگز به دنبال انحصار دین یا حقیقت اسلامی نبوده‌ایم. ما درصدد اجرای یک برنامه سیاسی هستیم که امیدواریم در مقابل برنامه‌های سیاسی دیگری قرار گیرد که حکمی ندارند (تاریخچه و اندیشه‌های حرکت «النهضة»، ۱۳۸۹).

آزادی عقیده و اندیشه: غنوشی در بحث آزادی فکری، فراوان از آیه لا اکراه فی الدین (بقره/۱۵۶) بهره می‌گیرد. وی معتقد است این آیه، گویای «حق فرد در انتخاب عقیده‌اش، به دور از هر گونه اجبار و اکراهی است. شریعت اسلام برای این انسان، آزادی را به‌عنوان محصول مسئولیتش تضمین کرده و بر این اساس همه ابزارهای اجبار را ممنوع ساخته و در تأکید بر ضرورت اظهار حق و اقامه براهین بر عقیده و تحمیل مسئولیت شکل دادن به عقیده و دفاع از آن - هر چند با کار بست قدرت و اجتهاد در ابطال برنامه‌های خصم خود - چیزی کم نگذاشته است» (Hearst, 2016).

وی در فهم آزادی عقیده، چندان توسعه می‌دهد که به غیر مسلمانان در دولت اسلامی اجازه می‌دهد «از دین اسلام انتقاد کنند» و «آزادی کامل خواهند داشت تا عقیده خود را بستانند» و غیر مسلمانان در دولت اسلامی بر عقیده و رفتاری که مخالف وجدانشان باشد، مجبور نخواهند بود» (David, 2016).

در دهه هفتاد، غنوشی همانند دیگر اسلام‌گرایان چنین معتقد بود که ارتداد، کفر و مرتد مستحق مجازات اعدام است. این موضوع از همان زمان مورد مناقشه شماری از روشنفکران مسلمان تونس بوده است که در اعتراض به چنین باوری - که تارک دین اسلام مستحق اعدام است - از پیوستن به جنبش «الاتجاه الاسلامی» که بعداً به ریاست غنوشی تأسیس شد، منصرف و از جریان غنوشی منشعب شدند.

در اواخر دهه هشتاد، تحولی جزئی در این عقیده غنوشی رخ می‌دهد و وی معتقد می‌شود به وانهادن «مسأله تعیین مجازات به امام (حاکم اسلامی) که خود او با لحاظ حجم خطری که این پدیده بر موجودیت سیاسی دارد آن را معین کند. ارتداد جرمی است که رابطه‌ای با آزادی عقیده که مورد پذیرش اسلام است، ندارد. ارتداد مسأله‌ای سیاسی برای مسلمانان بوده است. بنابراین مجازات مرتد، تعزیر است و نه حد؛ زیرا ارتداد جرمی سیاسی است که مشابهش در نظام‌های دیگر، خروج بر نظام دولت و تلاش برای ایجاد هرج و مرج در آن است و متناسب با حجم و شدت خطر آن با آن برخورد می‌شود (مرادی، ۱۳۸۹):

### مقایسه بین گفتمان سیاسی راشد الغنوشی و امام خمینی(ره)

دور بودن از عرصه قدرت و اقامت در غرب و رویارو شدن با دشواری‌های نظری اندیشه اسلامی در دوران معاصر، مجال مناسبی برای غنوشی و شماری از همفکران او فراهم آورد تا با بازنگری در بخشی از مسلمات پیشین، به سمت عملگرا و پراگماتیست شدن پیش بروند.

دال مرکزی گفتمان راشد الغنوشی، همانند امام خمینی(ره)، اسلام است؛ البته اسلام با صبغه اهل سنت و در مراحل تکوین خود دال‌هایی را به همراه دارد که مفصل‌بندی گفتمان را محقق ساخته‌اند. در بررسی تفکر الغنوشی به مفرداتی برمی‌خوریم که به علت استفاده بسیار در نظریه‌های او، کاملاً برجسته شده‌اند. اهمیت این مفردات در سطح معانی، الفاظ و شیوه کاربرد آنها نیست، بلکه مهم‌تر از آن، پیامدهای عملی آن است که می‌تواند طرح تفکر نوگرایی وی را تحت تأثیر قرار دهد.

نکته مهم در بررسی گفتمان سیاسی راشد الغنوشی این است که راشد الغنوشی تا قبل از پیروزی انقلاب مردم تونس و بازگشت النهضه به صحنه سیاسی تونس، اندیشه‌ها و مبانی فکری که اسلام و اصول اسلامی محور و دال مرکزی آن بود، گام بر می‌داشت اما بعد از بازگشت الغنوشی و النهضه به صحنه سیاسی تونس و به‌دست گرفتن قدرت سیاسی در اولین انتخابات پارلمانی تونس بعد از انقلاب، شاهد نوعی دگردیسی در اندیشه‌های رهبر جنبش النهضه شدیم که حاکی از عدول راشد الغنوشی از اندیشه‌های گذشته و عملگرا شدن آنها با توجه به حضور در قدرت بود. این دگردیسی نه تنها در زمان حضور النهضه در رأس قدرت در تونس بعد از انقلاب دیده شد بلکه بعد از حضور به‌عنوان شریک قدرت با حزب نداء تونس و دولت فعلی (قائد السبسی) نیز همچنان بر ادامه این روند تأکید داشته است و تصمیمات النهضه در کنگره دهم این حزب که در سال ۲۰۱۶ برگزار شد و در آن تصمیم به جدایی دین از سیاست در النهضه گرفته شد، شاهد دیگری بر دگردیسی اندیشه راشد الغنوشی در وضعیت حضور النهضه در قدرت است (مرادی، ۱۳۸۹: ۱).

لذا با توجه به این دگردیسی به مقایسه گفتمان اندیشه سیاسی راشد الغنوشی با امام خمینی(ره)

می‌پردازیم:

مشروعیت: در حوزه مشروعیت نظام سیاسی همان‌طور که اشاره شد، امام در سیره نظری و عملی خود نظریه مشروعیت الهی- مردمی را پذیرفته‌اند؛ به‌طوری‌که همواره در کنار مشروعیت الهی از اعتماد اکثریت مردم یا آرای اکثریت قاطع ملت نام برده‌اند؛ اما در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی، حکومت منبع مشروعیت الهی ندارد و مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد و با این واسطه حکومت را ابزاری برای پیاده سازی اسلام در جامعه می‌داند. غنوشی معتقد است حاکمیت متعلق به مردم است و حاکمیت خداوند تنها از طریق مردم میسر است (Rachid, 2012).

اندیشه‌های اصلاحی و پویایی فقه سیاسی: در مسأله اندیشه‌های اصلاحی و پویایی فقه سیاسی، حضرت امام و راشد هر دو به این مقوله در اندیشه خود باور دارند. در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) پویایی فقه سیاسی ابزاری برای پیاده‌سازی بهتر اسلام واقعی در جامعه است. اما در اندیشه راشد الغنوشی این اندیشه اصلاحی به حدی گسترده شده است که می‌توان سخن از دگرذیسی اندیشه سیاسی غنوشی و عدول از اصول اولیه گفت. در اندیشه راشد به‌ویژه بعد از انقلاب تونس و حضور النهضه در قدرت، اندیشه اصلاحی و پویایی فقه سیاسی نه تنها در راستای پیاده‌سازی اسلام و گسترش اصول اسلامی در جامعه تونس به‌کار گرفته نشد بلکه از آن در راستای توجیه حضور در قدرت به هر قیمتی بهره برده شده است (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

سیاسی بودن (اسلام سیاسی): همان‌طور که اشاره شد، یکی از مشخصه‌های اصلی قرائت امام خمینی(ره) از اسلام، سیاسی بودن آن است. امام خمینی(ره)، تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که در آن اسلام «برخلاف مکاتب غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۶۵). در نتیجه، جدایی دین از سیاست موضوعیت ندارد؛ اما در اندیشه راشد الغنوشی به‌ویژه در حوزه عملی بعد از انقلاب تونس شاهد عدول النهضه از این مسیر هستیم و با تصمیماتی که در کنگره دهم النهضه گرفته شد و با اعلام جدایی دین از سیاست در این کنگره که آن را می‌توان نقطه عطفی در اندیشه و راهبرد سیاسی النهضه دانست، بر این مسأله صحنه گذاشته شد (الغنوشی، ۱۳۹۵).

جامعیت: در حوزه جامعیت اسلام نیز در قرائت امام(ره)، جامعیت اسلام هم حوزه‌های معنوی را در بر می‌گیرد و هم حوزه‌های مادی را، اما راشد الغنوشی ضمن باور به این مسأله، باور به بهره‌گیری از اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غربی و استفاده از اندیشه‌های آنها در حوزه مادی دارد و آنها را در این حوزه کارآمد می‌داند.

جمهوریت: در مسأله جمهوریت نظام سیاسی در اندیشه امام، دموکراسی بیان‌کننده صورت و قالب حکومت است؛ در حالی که اسلام بیان‌کننده محتوای آن است. در حالی که در اندیشه راشد الغنوشی دموکراسی نه تنها بهترین نوع حکومت در صورت بلکه در محتوا نیز چنین است که با اعلام جدایی دین از سیاست این مسأله صورت واقعی به خود گرفت. نکته دیگر آن است که در حوزه عملی در زمان حضور دو ساله النهضه در قدرت، نه تنها تلاشی برای پیاده‌سازی اسلام در جامعه صورت نگرفت بلکه با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی تونس، مشروب فروشی‌ها و حضور توریست‌ها در سواحل تونس ادامه یافت (Abedin, 2013).

نفی سلطه: در حوزه دال‌های شناور، نفی سلطه از مهمترین ابعاد اندیشه سیاسی و عملی امام خمینی(ره) می‌باشد؛ غنوشی در حوزه اندیشه سیاسی و مقام نظری باور به نفی سلطه دارد؛ ولی در عرصه عمل موفق نبوده؛ زیرا با توجه به نفوذ بالایی که فرانسه و آمریکا در تونس دارند، در حوزه سیاست عملی و در زمان حضور در قدرت نه تنها تلاشی برای نفی سلطه این کشورها در تونس انجام نگرفت بلکه

سیاست خارجی النهضه در راستای اطمینان بخشی به کشورهای غربی بود. بعد از انقلاب تونس، النهضه در حوزه سیاست خارجی و نگاه به غرب، اعطای امتیازات به غرب و تقویت همکاری با ایالات متحده و اتحادیه اروپا را در دستور کار خود قرار داد (مصاحبه مصطفی قاسمی با کارشناس میدانی در تونس).

مسئله فلسطین و حمایت از مظلومین و محرومین: در مسئله فلسطین و حمایت از مظلومین و محرومین آقای راشد الغنوشی درباره مسئله فلسطین (که مسئله‌ی محوری جهان عرب و جهان اسلام می‌باشد) ادبیات فلسطین و نام فلسطین و واژگانی که مرتبط با فلسطین است مثل بیت المقدس، آزادی، جهاد و مقاومت متأسفانه در زمان حاکمیت النهضه (وقتی که آنها حکومت و پارلمان را در دست داشتند) هیچ نامی و هیچ توجه خاصی به مسئله فلسطین نکردند (افقهی، ۱۳۹۳). علاوه بر این در روز قدس سال ۲۰۱۳؛ وقتی هیئتی از سوی حزب الله در زندان‌های رژیم صهیونیستی به دعوت جناح‌های اسلامی به تونس رفته بود، مورد بی‌احترامی قرار گرفتند و آقای علی العریض یکی از سران النهضه و وزیر کشور وقت دولت النهضه هیچ عکس‌العملی نشان نداد آنها نماینده حزب الله را تحقیر کردند.

همچنین جنبش النهضه تونس به‌عنوان حزب انقلابی که حکومت این کشور را در دست داشت، در قبال کشته شدن ده‌ها دانشجوی سلفی تونس در جنگ سوریه و اتهام دست داشتن و همکاری در اعزام این افراد، هیچ واکنشی از خود نشان نداد. این نوع سیاست‌ها همراه با فتوی‌های روحانیون سلفی و اظهارات مقامات دولتی در حمایت از مخالفان مسلح سوریه باعث گمراهی برخی از جوانان تونس برای جنگیدن در سوریه شد (افقهی، ۱۳۹۳).

هر چند در ارتباط با رژیم صهیونیستی، الغنوشی گفت که جنبش هیچ‌گونه تعاملی با اسرائیل نخواهد داشت و تأکید کرد، اگر چه ما با تمام کشورهای جهان و همه جهانیان رابطه برقرار خواهیم کرد و از این رابطه استقبال می‌کنیم، اما این موضوع درباره اسرائیل مستثنی است، چون رژیمی اشغالگر است، به همین دلیل نه آن را به رسمیت می‌شناسیم و نه با آن رابطه برقرار می‌کنیم. علی‌رغم این موضع، النهضه برای عدم ایجاد حساسیت در برابر همپیمانان غربی اسرائیل، النهضه و تونس را عضوی از اتحادیه عرب می‌دانند و بیان می‌کنند تونس به‌عنوان عضوی از جامعه بین‌الملل تابع تصمیماتی است که در جامعه بین‌الملل و شورای امنیت و سازمان ملل گرفته می‌شود. این نوع اظهارات در واقع در راستای نوعی اطمینان‌بخشی به غرب صورت می‌گیرد.

همچنین در بررسی قانون جرم بودن برقراری روابط تونس با اسرائیل که در پارلمان تونس بررسی می‌شد و نمایندگان النهضه در آن دست برتر را داشتند، آنها عمدتاً با رأی ممتنع مانع از تصویب این قانون شدند (Ghiles-Meilhac, 2014).

وحدت امت اسلامی: در حوزه وحدت امت اسلامی؛ امام خمینی (ره) با توجه به مشترکات بسیار میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروع کلیدی و مهم دین و اختلافات در برخی از فروع دینی، جهان اسلام را به مثابه یک نظام واحد، یکپارچه و منسجم تلقی می‌کند که دارای خدای مشترک و واحد، پیامبری مشترک، اعتقاد به معاد و روز جزا، قبله واحد و... می‌باشند که برخی از اختلافات فکری و



اعتقادی نمی‌تواند آنان را از رسیدن به وحدت استراتژیک سیاسی منع نماید. در اندیشه سیاسی الغنوشی، هر چند وی در گذشته بر وحدت جهان اسلام تأکید داشته است اما نکته‌ای که به‌ویژه بعد از حضور النهضه در صحنه سیاسی تونس بعد از انقلاب شاهد آن بودیم راشد الغنوشی بارها در گفتگوهای خود از تشیع به‌عنوان یکی از تهدیدات نام برد و در مقابل با حمایت از سلفی‌ها که باور به تکفیر سایر مذاهب دارند، در شعله‌ور شدن جنگ طایفه‌ای بین شیعه و سنی در جهان اسلام و شیعه هراسی گام برداشت (مصاحبه مصطفی قاسمی با کارشناس میدانی در تونس).

در مجموع باید گفت گفتمان امام خمینی(ره) منطقی پایدار بر پایه‌های فقهی است که تحلیل و ترسیم همه اجزا و مؤلفه‌های آن مبتنی بر علم اصول فقه است که در آن اسلام هسته مرکزی گفتمان را تشکیل می‌دهد و جاذبه‌های همین هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند.

در اندیشه امام چنین نگاه منطقی فقهی مبتنی بر وحی (کتاب و سنت)، نه تنها در حوزه اندیشه بلکه در حوزه عمل نیز نمود یافته است و مشکلات و گرفتاری‌های حوزه حکومت و سیاست باعث عدول از اندیشه در حوزه عملی نشد. در واقع تفاوت اساسی اندیشه راشد الغنوشی و امام خمینی(ره) در نظام سازی مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره) و حضور عملی این اندیشه در عرصه عملی نظام سیاسی است. اما اندیشه راشد الغنوشی نه تنها منجر به نظام سازی نشد بلکه با عدول از اندیشه در عرصه عمل، اندیشه توجیه‌گر حضور در قدرت شده است و در خدمت قدرت در آمد. مسأله‌ای که اندیشه سیاسی اهل سنت به لحاظ تاریخی نیز با آن بیگانه نیست.

### نتیجه‌گیری

در مقایسه تطبیقی گفتمان امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی باید توجه داشت که گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) منطقی پایدار بر پایه‌های فقهی است که تحلیل و ترسیم اجزا و مؤلفه‌های آن مبتنی بر علم اصول فقه است. در واقع گفتمان امام خمینی(ره) آنقدر در نوع خود جامعیت داشته است که منجر به شکل‌گیری یک نظام سیاسی شده، در حالی که گفتمان اهل سنت و راشد چنین نیست. البته همان‌طور که در متن نیز اشاره شد، دال‌های گفتمانی امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی دارای عناصر سیاسی مشترک بوده است. در مجموع جنبش اسلامی تونس به رهبری شیخ راشد الغنوشی می‌کوشید با استفاده از تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه تونس و در سطح کشورهای عربی و جهان اسلام، اندیشه‌ی سیاسی اسلام را متحول کند. در این خصوص راشد الغنوشی با ارزیابی روند حرکت جنبش اسلامی و مفاهیم فکری آن و انتقاد از جنبش خود، سعی می‌کرد نگرش سیاسی نوینی ارائه دهد.

در مقایسه دو گفتمان، دال مرکزی در اندیشه امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی، اسلام می‌باشد اما در حوزه دال‌های شناور، اندیشه امام خمینی(ره) بدون تغییر و عدول از اندیشه‌ای گذشته که حول دال مرکزی اسلام شکل گرفته بودند. حتی بعد از تشکیل نظام سیاسی (ولایت فقیه) در ایران بعد از انقلاب تغییر نیافت و شاهد عدول از اندیشه‌های گفتمانی حتی در حوزه دال‌های شناور نبودیم اما گفتمان سیاسی

راشد الغنوشی دو روند جدا از هم را در دوره قبل از به انقلاب تونس و به دست گرفتن قدرت سیاسی و بعد از انقلاب مردم تونس و به قدرت رسیدن النهضه را شاهد بودیم. هر چند راشد الغنوشی به عنوان رهبر جنبش النهضه همچنان بر اسلام به عنوان دال مرکزی گفتمان سیاسی جنبش تأکید داشت اما در حوزه دال‌های شناور، با عدول از اندیشه‌های گذشته، تلاش نمود با اولویت قرار دادن حضور در قدرت، اندیشه‌ها و باورهای دینی و سیاسی گذشته را با تحولات حوزه قدرت منطبق کند و در واقع عملگرایی را سر لوحه کار خود قرار دهند.

در واقع باید گفت راشد الغنوشی و النهضه در حال حاضر مصلحت‌گرا شده است. یا به عبارت دیگر مسائل موجود تونس برخی سیاست‌ها را به النهضه دیکته کرده است و نتیجه این تفاوت‌ها باعث شد تا اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نظام ساز شود و نمود اندیشه‌ای خود را در حوزه عمل حفظ و نشان دهد اما اندیشه راشد الغنوشی نه تنها نظام ساز نشد، بلکه در تقابل بین اندیشه سیاسی و مصائب قدرت و حوزه سیاست، این اندیشه سیاسی است که عقب نشسته است تا حضور در قدرت حفظ شود.

البته در بررسی علل موفقیت اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و عدم موفقیت راشد الغنوشی باید تفاوت در شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دو کشور ایران و تونس مورد توجه قرار گیرد. همچنین برخورداری امام از جایگاه نظریه پرداز و اندیشمند سیاسی و همزمان جایگاه رهبری در انقلاب ایران و عدم بهره‌مندی راشد الغنوشی از جایگاه رهبری در انقلاب تونس، شخصیت راسخ امام در استمرار بخشیدن به اندیشه سیاسی چه در حوزه نظر و چه در حوزه عمل و تحول شخصیتی راشد الغنوشی و تأثیرپذیری وی از دوران حضور در لندن و ... را باید در موفقیت اندیشه سیاسی امام و عدم موفقیت راشد الغنوشی در نظر گرفت که در مبحثی دیگر باید به آن پرداخت. بدیهی است این عدم موفقیت اندیشه سیاسی راشد الغنوشی در مقایسه با اندیشه امام خمینی (ره) قابل بررسی است در حالی که اندیشه راشد در مقایسه با اندیشه سیاسی برادران اخوانی خود در مصر و سایر کشورهای عربی اهل سنت یک نمونه تقریباً موفق به شمار می‌آید.

## منابع

- قرآن کریم، سوره بقره.
- ابراهیم، محمد (۱۳۸۵)، جنبش اسلامی تونس، ترجمه جواد اصغری، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، مفهوم عدالت در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)، مجله انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۳۶.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (۲۲ جلد)، تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۶)، اسلام ناب محمدی در کلام و پیام امام خمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دین پرست، فائز (۱۳۸۹)، *تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸)، *دوره زبان شناسی عمومی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.
- سید افقهی، سید هادی (۱۳۹۳)، *تحولات فکری الغنوشی و حزب النهضه در تونس*، برگرفته از: مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
- عشوری، محمدرضا (۱۳۹۰)، *خوانشی بر اندیشه سیاسی راشد الغنوشی*، ماهنامه سوره اندیشه.
- علیخانی، علی‌اکبر؛ صدیقی، صابر (۱۳۸۲)، *اسلام و حکومت در اندیشه راشد الغنوشی*، مطالعات خاورمیانه، شماره ۳۳، بهار.
- غنوشی، راشد (۱۳۸۹)، *تاریخچه و اندیشه‌های حرکت «النهضه» تونس در گفتگو با شیخ «راشد الغنوشی»*، ترجمه: استاد سیدهادی خسروشاهی، بخش هفتم، نشریه «قرائت سیاسی».
- الغنوشی، راشد (۱۳۹۵)، *از اسلام سیاسی به دموکراسی اسلامی: حزب النهضه و آینده تونس*، مترجم: مهدی حسینی، ۲۹ مهر.
- الغنوشی، الشیخ راشد (۱۳۹۳)، *الحریات العامة فی الدولة الاسلامیة*، مرکز دراسات الوحدة العربیة، آگوست ۱۹۹۳.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، قم: معاونت پژوهش دانشگاه معارف اسلامی.
- فولادی، محمد (۱۳۸۷)، *استراتژی وحدت در جهان اسلام در اندیشه امام خمینی*، فصلنامه معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۲۶.
- مرادی رودپشتی، مجید، تاریخ و گفتمان اسلام سیاسی در تونس، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۹/۱۱/۲۵.
- مرکز الاستشارات و البحوث (۱۳۸۸)، *رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس*، ترجمه: ابوالفضل تقی‌پور و صغری روستایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول، زمستان، ص ۱۴۸.
- مرکز الاستشارات و البحوث (۱۳۸۸)، *رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس*، ترجمه گروه ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، *طرح حکومت اسلامی*، مطبوعاتی هدف.
- منوچهری، عباس (۱۳۷۷)، *گفتمان جمهوری و جمهوری گفتمانی*، جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، *نظریه گفتمان*، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره دوم، پاییز، دوره ۱: ۱۵۶-۱۸۳.
- Abedin, Mahan (2013), Tunisia: Islam and politics two years after the Revolution – interview with Rashid Al-Ghannouchi., 2 MARCH 2013, Available at: <http://english.religion.info/2013/03/02/tunisia-islam-and-politics-two-years-after-the-revolution-interview-with-rashid-al-ghannouchi/>
- Ghannouchi, Rachid (2012), ANALYSIS: The So-Called Moderation Of Rachid Ghannouchi, June 6, 2012, Available at: <https://www.globalmbwatch.com/2012/06/06/analysis-the-so-called-moderation-of-rachid-ghannouchi/>

- Ghiles-Meilhac, Samuel (2014), Tunisia's relations with Israel in a comparative approach, the case of the debate on normalisation during the Arab Awakening.
- Hearst ,David.(2016)Rached Ghannouchi Q&A: Thoughts on democratic Islam, Available at:  
<http://www.middleeasteye.net/news/rached-ghannouchi-interview-2016275498>, 12 June 2016.
- Foucault, M (1962), The Archaeology Knowledge, Translated by A.Sheridan clondon: Routledye.
- Laclau, E and Mouffe, C, (2001), Hegemony and socialist strategy (London: Verso, second edition).